

پدرِ اُمید در نانوائی کار می کُند .

پارسا توپ را به کریم پاس داد .

پرستو پرنده ی زیبایی است .

مادرم برای آن بیمار آتش می پزد .

این دَوَنده در پارک ورزش می کُند .

مُدیر با ماشین واردِ مدرسه می شود .

کودکان سرسره بازی را دوست دارند .

اکبر و پرویز در دریا شِنا می کُند .